مطالعهٔ شاخص‌ها و رتبهٔ توسعهٔ اجتماعی در استان‌های کشور و رابطهٔ آن با سرمایهٔ اجتماعی*

سید احمد فیروزآبادی**، سید رسول حسینی***، روح اله قاسمی****

طرح مسئله: *عمده‌ترین سئوالات این مقاله به این شرح است که، شاخص‌های توسعه اجتماعی چیست؟ وزن هر یک از شاخص‌های انتخابی توسعهٔ اجتماعی با روش ارزیابی اوزان (آنتروپی)، براساس داده‌های سال ۱۳۸۵ در ایران به چه صورت است؟ رتبه‌بندی توسعهٔ اجتماعی استان‌ها براساس وزن شاخص‌های مذکور، چگونه است؟ و رابطهٔ بین نمرهٔ توسعهٔ اجتماعی با وضعیت سرمایهٔ اجتماعی، در استان‌ها به چه صورت می‌باشد؟*

روش: *این مقاله براساس نظریه‌های توسعهٔ اجتماعی و مباحث مطرح شده در اجلاس کپنهاگ، در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی، شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی را استخراج نموده و براساس این شاخص‌ها و نظریه‌های مربوطه در زمینهٔ رابطهٔ سرمایه اجتماعی و توسعه، به شناخت رابطه بین این دو در ایران پرداخته است. روش این مقاله، براساس تحلیل ثانویهٔ اطلاعات و داده‌های استانی برای ۳۰ استان کشور با روش تصمیم‌گیری چند شاخصه، در بعد رتبه‌بندی استانها و آمارهای مربوط به همبستگی در زمینهٔ رابطهٔ بین متغیرها، بوده است.*

یافته‌ها: *یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که سیزده شاخص برای شناخت وضعیت توسعهٔ اجتماعی، قابل استفاده می‌باشد و بر اساس داده‌های این شاخص ها، استان یزد بیش‌ترین و استان کهگیلویه و بویراحمد، کم‌ترین سطح توسعهٔ اجتماعی را داشته‌اند. در نهایت با رتبه‌بندی به دست آمده از استان‌ها، میزان همبستگی وضعیت توسعهٔ اجتماعی با سرمایهٔ اجتماعی استان‌ها، سنجیده شده است که:*

نتایج: *نتایج نشان می‌دهند، بین میزان توسعهٔ اجتماعی و برخی عناصر سرمایهٔ اجتماعی شامل: اعتماد خصوصی و اعتماد عمومی رابطهٔ معنی دار و معکوسی وجود دارد. همچنین بین توسعهٔ اجتماعی و برخی دیگر از عناصر سرمایهٔ اجتماعی شامل: شبکهٔ روابط درون گروهی، مشارکت‌های رسمی، مشارکت‌های غیر رسمی و اعتماد نهادی رابطهٔ معناداری وجود ندارد.*

کلید واژه‌ها: توسعهٔ اجتماعی، استان‌ها، رتبه‌بندی، سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد عمومی ، شبکهٔ رسمی و غیررسمی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۴/۱۵ ***تاریخ پذیرش مقاله:*** ۸۹/۹/۲۸

---

* این مقاله برگرفته از نتایج طرح پژوهشی بررسی توسعهٔ اجتماعی استان‌ها براساس اولویت وزنی شاخص‌ها و ارتباط آن با سرمایهٔ اجتماعی، معاونت پژوهشی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد.

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران، نویسندهٔ مسئول<ahmad.firouzabadi@gmail.com>

*** دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه، دانشگاه تهران

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مقدمه

تاریخچهٔ شروع بحث‌های توسعه‌ای به دهه ۵۰ و ٦۰ برمی‌گردد. در این دو دهه توسعه صرفاً یک معنای اقتصادی داشت و با رشد سالانهٔ تولید ناخالص ملی و رشد تولید ناخالص ملی سرانه برابر بود. اما پس از دسترسی برخی از کشورهای جهان سوم به هدف‌های سازمان ملل در زمینهٔ رشد اقتصادی، سطح زندگی اکثر مردم در این کشورها در بیش‌تر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند و درست در همین شرایط بود که توسعه از حالت مکانیکی غیر منعطف و یکسونگر با گرایش اقتصادی به یک مفهوم پویا، منعطف، چند بعدی و فرآیندی تبدیل شد. انتقادات به نظریات توسعه‌ای که جنبهٔ اقتصادی داشت توسط افرادی مانند: سیرز[1]، گولت[2]، دیاکیت[3] و دیگران باعث گردید که یک تجدید نظر اساسی در تعریف توسعه صورت گیرد (دیاکیت، ۱۳۷۳: ٦۹). بنابراین از دههٔ ۷۰ به بعد برای توسعه، معنی متفاوت و چند جانبه‌ای قائل شدند به‌طوری که سازمان ملل متحد نیز در قطعنامهٔ ۲٦۲٦ دربارهٔ استراتژی بین المللی توسعه چنین آورده است: «تغییرات کیفی و ساختاری در جامعه باید به‌گونهٔ تنگاتنگی به یک رشد اقتصادی سریع وابسته باشد، در عین حال که نابرابری‌های موجود (منطقه‌ای، محلی و اجتماعی) می‌بایست به نحو چشم‌گیری کاهش یابد» (همان منبع: ٦۸). می‌توان گفت از دههٔ هفتاد توسعه، معنی صرفاً اقتصادی خود را از دست داد و لزوم چند جانبی بودن و پوشش ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در کنار بعد اقتصادی را نیز دربرگرفت. نشست پیرامون توسعهٔ اجتماعی توسط سازمان ملل در شهر کپنهاگ در سال ۱۹۹۵، نقطهٔ عطفی در کاربرد رویکرد توسعهٔ اجتماعی بود و در آن سران کشورهای شرکت کننده، خود را به اجرای یک برنامهٔ عملی که طیف وسیعی از سنجه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای ریشه کنی فقر را در بر می‌گرفت، متعهد نمودند. در این اجلاس سرمایهٔ اجتماعی نیز به عنوان یکی از ابعاد مهم

1. Dudly seers
2. Gollet
3. Sidiki diakite

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

توسعهٔ اجتماعی مورد بحث قرار گرفت و به عنوان بعد چهارم توسعه اجتماعی مطرح شد (UN، ۱۹۹۵). و در مجموع توسعهٔ اجتماعی یکی از زمینه‌هایی در نظر گرفته شد که می‌توان با گسترش و ارتقای شاخص‌های آن در جامعه، نسبت به رسیدن به توسعه‌ای متوازن و برابر بین مناطق و افراد، در جهت رفاه و رضایت افراد از زندگی، حرکت کرد.

این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سئوالات است که عمده‌ترین شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی چیست؟ وزن هر یک از شاخص‌های انتخابی توسعهٔ اجتماعی با روش تکنیک رجحان ترتیبی، براساس داده‌ها در ایران به چه صورت است؟ رتبه‌بندی توسعهٔ اجتماعی استان‌ها براساس وزن شاخص‌های مذکور، چگونه است؟ و رابطهٔ بین نمرهٔ توسعهٔ اجتماعی با وضعیت سرمایهٔ اجتماعی، در استان‌ها به چه صورت است؟ در ضمن تحلیل مختصری از مقایسهٔ وضعیت رابطهٔ سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اجتماعی در کل ایران با شهر تهران ارائه خواهد داد.

چارچوب نظری

در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی و همچنین میزان همبستگی برخی از عناصر سرمایهٔ اجتماعی، با توسعهٔ مطالعاتی انجام شده است، از جمله: کمالی (۱۳۸۳) در رسالهٔ دکترای خود در ابتدا به سنجش سطح اعتماد سازمانی و در ادامه به مقایسهٔ ابعاد اعتماد و میزان همبستگی آن با میزان توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی استان‌ها می‌پردازد. او نتیجه می‌گیرد که با بالارفتن سطح توسعه در استان‌ها، سطح اعتماد متقابل و اعتماد به دیگران دور کم‌تر و در مقابل لزوم احتیاط بیش‌تر می‌شود. بدین معنی که افراد به دلیل نداشتن اعتماد به دیگران، مجبور به احتیاط بیش‌تری در رابطه با آن‌ها می‌باشند. ربانی و دیگران (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای به بررسی رابطهٔ بین رفاه اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان پرداخته‌اند. آن‌ها با مطالعهٔ شاخص‌های مربوطه و همبستگی بین رفاه اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی، نشان می‌دهند که بین این دو رابطه‌ای معکوس وجود دارد و بالارفتن سطح رفاه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

اجتماعی میزان سرمایهٔ اجتماعی را پایین می‌آورد. حسینی و دیگران (۱۳۸۷)، با استفاده از روش تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی، با شیوهٔ تحلیل ثانوی به رتبه‌بندی مراکز استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی پرداخته‌اند. بر اساس رتبه‌بندی انجام شده، به ترتیب استان‌های ایلام، کهکیلویه و بویراحمد، لرستان، بوشهر و سیستان و بلوچستان بالاترین و تهران، اصفهان، فارس، همدان و خوزستان کمترین میزان سرمایه اجتماعی را داشته‌اند. فیروزآبادی و ایمانی (۱۳۸٦) در مقاله ی خود، میزان همبستگی سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی ـ اجتماعی در مناطق شهر تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که بین برخی از عناصر سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی ـ اجتماعی مناطق رابطه معنا دار و مثبتی وجود دارد. به عبارتی، برخی از عناصر سرمایهٔ اجتماعی در مناطق توسعه‌ای بالا به طور معنا داری از مناطق متوسط و پایین بیش‌تر است که البته این موضوع با توجه به شرایط خاص شهر تهران در مقایسه با کل کشور به علت سطح توسعه یافتگی همگن‌تر و با سابقهٔ توسعه‌ای بیش‌تر، نسبت به سایر نقاط ایران، قابل توجیه بوده و تحقیقات دیگر در این زمینه در شهر تهران، نیز در مقاطع زمانی بعدی این نتایج را تأیید نموده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۸). کلانتری و گنجی (۱۳۸٤)، در مقاله‌ای به بررسی شاخص‌های توسعه ایران پرداخته‌اند. آن‌ها در این مقاله ضمن دسته‌بندی شاخص‌های مربوط به توسعهٔ اجتماعی، انسانی و اقتصادی رتبه‌بندی استان‌ها را نیز ارائه کرده‌اند. در مطالعهٔ آن‌ها در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی، استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اردبیل در پایین‌ترین و استان‌های تهران، اصفهان یزد، سمنان و قم در بالاترین رتبه از نظر توسعهٔ اجتماعی، قرار گرفته‌اند. عبدالهی و موسوی (۱۳۸٦) در مقاله‌ای که برگرفته از طرحی پژوهشی با بررسی سرمایهٔ اجتماعی در ایران بوده است، به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های ایران و رابطهٔ آن با توسعه پرداخته‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که میزان سرمایهٔ اجتماعی در ایران در مجموع از لحاظ اغلب مؤلفه‌های چندگانه و شاخص‌های متعدد مرتبط با آن‌ها پایین است. وضعیت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سرمایهٔ اجتماعی به جز در مواردی استثنایی که آن هم مربوط به جنبهٔ سنتی و سرمایهٔ اجتماعی قدیم می‌شود، در اغلب موارد به ویژه در بعد روابط انجمنی که از مؤلفه‌های اصلی سرمایهٔ اجتماعی جدید به شمار می‌رود چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. آن‌ها در این مقاله نشان می‌دهند که میانگین سرمایهٔ اجتماعی در مراکز توسعه نایافتهٔ استان‌های کشور نظیر سیستان و بلوچستان و ایلام بالا و برعکس، در مراکز توسعه یافتهٔ این استان‌ها نظیر تهران و اصفهان پایین است. شاید این امر بیان‌گر این واقعیت باشد که با گسترش شهرها و توسعهٔ نابرابر و نامتوازن سرمایهٔ اجتماعی به ویژه نوع قدیم آن دچار فرسایش می‌گردد ولی همزمان با آن، سرمایهٔ اجتماعی جدید جایگزین نمی‌شود. بر اساس رتبه‌بندی که آن‌ها در مقالهٔ خود به آن رسیده‌اند، سیستان و بلوچستان، خوزستان، اردبیل، ایلام و کهکیلویه و بویراحمد به ترتیب دارای بالاترین رتبهٔ سرمایه اجتماعی بودند و استان‌های تهران، اصفهان، یزد، خوزستان و قزوین نیز دارای بالاترین رتبهٔ سطح توسعه بوده‌اند. دینی ترکمانی (۱۳۸٦) در مقاله‌ای با عنوان تبیین افول سرمایهٔ اجتماعی به بررسی چرایی این مسئله و تبیین افول سرمایهٔ اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. او با همبسته دانستن رابطهٔ بین عوامل مختلف (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)، و برآورد انجام شده از رابطهٔ میان فساد از یک سو (به عنوان شاخصی برای سرمایهٔ اجتماعی) و شاخص‌هایی چون حکم‌رانی، درآمد سرانه و توزیع درآمد از سوی دیگر، تصویری از افول سرمایهٔ اجتماعی و نقش حکم‌رانی در آن ارائه داده است. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که سرمایهٔ اجتماعی در جامعهٔ ایران طی سال‌های بعد از انقلاب کاهش یافته است. و به نظر می‌رسد که علت افول سرمایهٔ اجتماعی در این دورهٔ تاریخی بیش از آن‌که به عوامل فرهنگی و یا اقتصادی مربوط شود، ریشه در سازمان درونی ضعیف دولت و رابطه دولت با نیروهای اجتماعی دارد. همچنین مطالعات دیگری در زمینهٔ رتبه‌بندی استان‌های کشور که با شاخص‌های توسعه انجام گرفته است عبارتند از: آذر و غلامرضایی (۱۳۸۵)، تقوایی (۱۳۸٤)، عباسی نژاد و رفیعی امام (۱۳۸۵)، رحمانی و امیری (۱۳۸٦) و سعادت (۱۳۸٦).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

توسعهٔ اجتماعی

مفهوم توسعهٔ اجتماعی[1] مفهومی نا روشن و همچون کلافی در هم تنیده است و دیدگاه‌ها و مباحث گوناگونی را در بر می‌گیرد که نه تنها متفاوت که گاه متضادند. نانسی (۲۰۰۰)، توسعهٔ اجتماعی را به «مسئولیت‌پذیری» برداشت می‌نماید. مسئولیت پذیری حکومت‌ها، شاغلان، سرمایه گذاران مالی و دولت ـ ملت‌ها به عنوان اعضای جامعهٔ جهانی اما مهم‌تر از همه، توسعهٔ اجتماعی با حقوق انسانی، حقوق کارگران به طور وسیع‌تر، چه سازمان یافته و چه سازمان نیافته، حق توسعه و حق برخورداری از خدمات با کیفیت بالاتر، حق برخورداری از محیط زیست سالم و سهم مساوی از فواید رشد اقتصادی نیز در ارتباط است. استس (۲۰۰۱)، توسعهٔ اجتماعی را یک حوزهٔ میان رشته‌ای و میان بخشی در جستجوی بهزیستی مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه تعریف می‌نماید. که این تعریف بیان‌گر دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از طریق تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود. به زعم وی اهداف توسعهٔ اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند.

توسعهٔ اجتماعی دو بعد مرتبط به هم دارد: یکی توسعهٔ ظرفیت مردم برای کار مداوم جهت رفاه آن‌ها و جامعه و دوم: تغییر یا توسعهٔ نهادهای اجتماعی، به گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح به ویژه در پایین‌ترین سطح، از طریق یک فرآیند بهبود در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی ـ اجتماعی، رفع نماید (دیوب، ۱۳۷۷: ۸٤).

ازکیا توسعهٔ اجتماعی را از مفاهیمی می‌داند که با چگونگی و شیوهٔ زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگی دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقر زدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. همچنین ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد

1. social development

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

یک جامعه و در بعدی وسیع‌تر مباحث مربوط به جامعهٔ مدنی، دموکراسی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی را از موضوعات محوری توسعهٔ اجتماعی می‌داند (ازکیا، ۱۳۸٤: ٤٧). از طرفی دیگر توسعهٔ اجتماعی در برگیرندهٔ بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد و بر آن‌ها تمرکز می‌نماید (پیران، ۱۳۸۳). در نهایت توسعهٔ اجتماعی را می‌توان حرکتی در جهت سازگاری بهتر بین فرد و جامعه، ایجاد امنیت برای شهروندان در تمام زمینه ها، ایجاد شرایط برابر به خصوص آنچه در این مقاله مورد تأکید است یعنی برابری از نظر جغرافیایی و عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه ای، تعریف کرد. توسعهٔ اجتماعی باید به رفاه و آسایش بیش‌تر افراد جامعه منجر شود تا افراد رضایت بیش‌تری از زندگی داشته باشند. توسعهٔ اجتماعی، در جامعه‌ای رخ می‌نماید که فاصلهٔ طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه به حداقل برسد و توزیع درآمد و قدرت به گونه‌ای عادلانه به وجود آید و فاصله و شکاف بین فقیر و غنی، شهر و روستا و مرد و زن کاهش یابد.

سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی[1] مفهومی است که پیشینهٔ طولانی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دههٔ ۹۰ به این سو در تزها و مقاله‌های دانشگاهی به وجود آمد. به ویژه در رشته‌های جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون کلمن، رابرت پاتنام، فوکویاما و بوردیو افزایش یافته است (الن، فرانس و گابریل، ۱۹۹۸). سرمایهٔ اجتماعی، به زعم برم و ران مفهومی جمعی است که اصل و اساس آن بر رفتار، طرز تلقی‌ها واستعدادهای فردی قرار دارد. به زعم آنان نهادهای گوناگونی از قبیل مؤسسات اجتماعی و داوطلبانه، خانواده، دین و الگوهای فرهنگی، در شکل دهی عادات و ارزش‌هایی که مولد سرمایهٔ اجتماعی اند، نقش دارند (برم و ران، ۱۹۹۷: ۱۰۰۰). سرمایهٔ اجتماعی همچون

1. social capital

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مفاهیم سرمایهٔ فیزیکی و سرمایهٔ انسانی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸٤). همان طور که سرمایهٔ فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کند، به وجود می‌آید و از جنبه‌ای ملموس و قابل مشاهده برخوردار است، سرمایهٔ انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها و توانایی‌هایی به آن‌ها پدید می‌آید، سرمایهٔ اجتماعی در روابط بین افراد تجسم می‌یابد و موقعی سرمایهٔ اجتماعی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل نماید (کلمن، ۱۳۷۷: ٤٦٥). پاتنام در بررسی عناصر سرمایهٔ اجتماعی، مشارکت مدنی را از اشکال ضروری آن به شمار می‌آورد و معتقد است که هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیش‌تر است و باعث می‌گردد که هزینه‌های بالقوهٔ عهد شکنی در هر معامله‌ای کاهش یابد. هنجارهای قوی معاملهٔ متقابل را تقویت کند، ارتباط را تسهیل و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود بخشد و به عبارتی شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۸-۲۹۷). سرمایهٔ اجتماعی به عنوان منبعی جهت «کنش جمعی» تلقی می‌گردد و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه یا دانش نسبت به امور عمومی اجتماعی یا سیاسی یعنی، آگاهی که موجب علاقمندی و دل نگرانی است، شامل هنجارهای اعتماد (اعتماد عمومی یا تعمیم یافته و اعتماد نهادی و مدنی)، هنجارها و یا رفتارهای تعامل[1] که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیر رسمی می‌باشد. نتایج سرمایهٔ اجتماعی در داخل شبکه، شامل مجموعه‌ای از کنش‌های جمعی در اشکال و اندازه‌های مختلف است (پاتنام، ۱۳۸۰). سرمایهٔ اجتماعی در سطح فردی فراهم آورنده ی «کالای خصوصی» است که برای سود اقتصادی یا دیگر منافع شخصی مانند موفقیت تحصیلی

1. interaction

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

استفاده می‌شود. در سطوح بالاتر سرمایهٔ اجتماعی می‌تواند مولد کالایی عمومی باشد که تمام اعضای جامعه می‌توانند از آن بهره برداری کنند (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸٦).

می‌توان سرمایهٔ اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست:

- پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوطند.
- نوع ذهنی پیوند: یعنی پیوندهای میان افراد که باید دارای ویژگی خاص باشد، دوجانبه، مورد اعتماد، و مستلزم احساس مثبت (پاکستون، ۱۹۹۹).

تفکیک سرمایهٔ اجتماعی به دو بعد عینی و ذهنی و لزوم پیوند میان این دو برای ایجاد پیامدهای سودمند آن از این روست که محدود کردن مفهوم به ساختارهای عینی روابط یا ذهنیات افراد، مشکلاتی را در شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی و اثرات آن پدید می‌آورد. ممکن است با سرمایه گذاری‌های دولتی نهادهایی برای گسترش روابط میان افراد یک جامعه تأسیس شود و همگان موظف به عضویت در آن شوند. اما وجود این ساختارها بدون فراهم بودن اعتماد و هنجارهای مشوق همکاری و عمل جمعی، به تنهایی نمی‌تواند سرمایهٔ اجتماعی را در آن جامعه تشکیل دهد. این موضوع در مورد ابعاد ذهنی سرمایهٔ اجتماعی نیز صادق است. اگر امکانات ایجاد شبکه‌های تعامل در قالب انجمن‌های داوطلبانه نباشد، اعتماد و هنجارهای مشوق عمل جمعی، در ذهنیت افراد جامعه به شکل آرمانی غیر عملی، باقی خواهند ماند.

در نهایت این‌که سرمایهٔ اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینهٔ سرمایهٔ فیزیکی و سرمایهٔ انسانی را افزایش می‌دهد. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایهٔ اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است (پاتنام، ۲۰۰۰).

سطوح سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی به عنوان عامل تسهیل همکاری و هماهنگی، که دست‌یابی به اهداف را با هزینهٔ کم‌تر امکان‌پذیر می‌سازد، می‌تواند در سه سطح مطرح و مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سطح خرد: در این سطح منافعی مورد نظر است که فرد به سبب عضویت در گروه و بهره برداری از سرمایهٔ اجتماعی به دست می‌آورد. بوردیو در چارچوب این سطح، سرمایهٔ اجتماعی را به عنوان «حاصل جمع منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که به مالکیت شبکه پایدار مناسبات کمابیش نهادینه شده ارتباط یا شناخت متقابل مربوطند» (بوردیو، ۱۹۸۵، ۲۸٤) تعریف می‌کند.

سطح گروهی یا میانه: سرمایهٔ اجتماعی در کنار منافعی که برای فرد دارد می‌تواند در صورت تکرار و پایبندی تمامی اعضای گروه به تعهدات خویش، منافعی جمعی را پدید آورد که برای تمامی اعضای گروه قابل استفاده باشد. کلمن (۱۳۷۷) با ذکر نحوهٔ عملکرد فروشندگان بازار عمده فروشی الماس در شهر نیویورک نمونه‌ای از این سطح سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. او در این مثال نشان می‌دهد که چگونه تعهدات متقابل اعضای گروه و ضمانت‌های مؤثر برای ممانعت از خیانت در امانت موجب شده تا اموری مانند ارزشیابی الماس‌ها بدون کم‌ترین هزینه و با اطمینان انجام گیرد و در نتیجه همبستگی گروهی در سطح بالایی حفظ و تداوم یابد.

سطح اجتماعی یا کلان: وجود روابط افقی مبتنی بر اعتماد میان نهادهای مختلف جامعه منافعی را تولید می‌کند که همهٔ اعضای جامعه ازآ آن بهره مند خواهند بود. از نگاه پاتنام (۲۰۰۰; ۱۹۹۵) سرمایهٔ اجتماعی جامعه موجب می‌شود تا نهادهای دمکراتیک حکومتی بهتر وظایف خود را انجام دهند و از نظر فوکویاما (1995) وجود سرمایهٔ اجتماعی، نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمدی حفظ و تداوم می‌بخشد و توسعهٔ اقتصادی را موجب می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

جدول ۱: ابعاد سرمایهٔ اجتماعی

ابعادسرمایهٔ اجتماعی	ساختاری(کمیت)	شناختی(کیفیت)
غیر رسمی (خرد ـ درون گروهی)	ـ خانواده شما معمولا با چه کسانی رفت و آمد دارند؟ (خویشان، همسایگان، دوستان و همکاران) ـ اعضای خانواده معمولا در ماه چند بار برای دیدن، مهمانی و شب نشینی به منزل۱) خویشان ۲) همسایگان ۳) آشنایان و دوستان٤) همکاران می‌روند؟ ـ تعداد دفعات رفت و آمدخانواده‌ها در ماه	ـ اعتماد به ۱) اعضای خانواده ۲) اقوام و خویشان ۳) دوستان ـ میزان مشورت با ۱) اعضای خانواده ۲)دوستان ـ درد دل با ۱) اعضای خانواده ۲) دوستان
تعمیم یافته (خرد ـ میان گروهی)	ـ نسبت شرکت ۱۵ و بیش‌تر در فعالیت‌های مذهبی، شامل۱)جشن و سرور۲)نماز جماعت مسجد۳)نماز جماعت محل تحصیل و کار ـ نسبت فعالیت افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر در ۱)انجمن خانه و مدرسه۲)اتحادیه صنفی۳)انجمن اسلامی٤) بسیج۵) انجمن خیریه٦) صندوق قرض الحسنه	به نظر شما هر یک از خصوصیات زیر چقدر در جامعه رواج دارد: ۱)گذشت۲) امانت داری۳) انصاف٤) خیر خواهی و کمک به دیگران۵) صداقت و راست گویی٦)پایبندی به قول و قرار
نهادی (کلان)	میزان مشارکت در انتخابات	میزان اعتماد به۱) کارگران۲)بنگاه داران مسکن و ماشین۳) معلمان ٤) پلیس۵) رانندگان تاکسی٦) پزشکان۷) قضات ۸)اساتید دانشگاه۹) کسبه۱۰) نیروی انتظامی۱۱) ورزشکاران ۱۲) روحانیت ۱۳)روزنامه نگاران۱٤) هنرمندان ۱۵)تجار و بازاریان۱٦) ارتشی‌ها ـ شما با این دو نظر موافقید؟ ۱) حکومت به همهٔ مردم به یک چشم نگاه می‌کند۲) حکومت برای همهٔ اقوام ارزش و احترام قائل است. ـ شما تا چه اندازه اطلاعات و اخبار سیاسی کشور را دنبال می‌کنید؟

منبع: حسینی و دیگران، ۱۳۸۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اجتماعی

استیگلیتز (۲۰۰۲)، توسعهٔ اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع می‌داند. جامعه‌ای که در آن خشونت هم در خانواده و هم در اجتماع، در سطح بالایی است با این تعریف، جامعه‌ای با توسعهٔ اجتماعی پایین محسوب می‌شود. وی بر سرمایهٔ اجتماعی و اعتماد در تسهیل تعامل به عنوان عناصر مهم توسعهٔ اجتماعی نیز تأکید دارد. همان‌طور که در تعریف استیگلیتز آمده، توسعهٔ اجتماعی همراه با بالارفتن سرمایهٔ اجتماعی در جامعه است و این از طریق جایگزینی همبستگی و پیوندهای مدرن به جای همبستگی و پیوندهای سنتی و گذشته، خلأ ناشی از آن‌ها را پر می‌کند. این مسئله توسط اندیشمندان و مطالعات دیگری، در زمینهٔ رابطه و یا تأثیر سرمایهٔ اجتماعی در ابعادی چون، حکمرانی[1] خوب و کارایی اقتصادی (افه و فوش، ۲۰۰۲)، موفقیت پروژهٔ عمرانی (مرنیسی، ۱۳۸٤)، رشد درآمد کشورها (ناک، ۲۰۰۲)، توسعهٔ اقتصادی کشور (چوپین، ۲۰۰٤)، توسعهٔ محلی و ملی (گرو، ۲۰۰۳)، مشارکت مدنی و اجتماعی (لوفلین، ۲۰۰۳)، مشارکت داوطلبانه در سطح محلی (پاراگال، گیلکان و هوک، ۲۰۰۲) اثبات شده است. مطالعات مذکور هر کدام براساس داده‌های ناشی از تحلیل ثانویه و یا تحقیقات میدانی به رابطهٔ بین عناصر سرمایهٔ اجتماعی و ابعاد توسعه تأکید کرده‌اند. به طور مثال، چوپین (۲۰۰٤)، در مطالعه ی خود تأکید می‌کند هر کشوری که از سرمایهٔ اجتماعی بیش‌تری برخوردار است میزان بیش‌تری از درآمد سرانه، آموزش بهتر، جمعیت‌های مدنی تر، نابرابری درآمدی کم‌تر و نهادهای رسمی قوی‌تر از کشورهایی که از میزان سرمایهٔ اجتماعی کم‌تری برخوردارند، دارد. یا پاتنام در بولینگ یکنفره (۲۰۰۰) همبستگی‌های معنی‌داری بین افزایش سرمایهٔ اجتماعی و افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش تماشای تلویزیون توسط کودکان، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ و میر، بهبود وضع سلامت و بهبود احساس

1. Governance

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

خوشبختی ملاحظه می‌نماید. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که توسعهٔ اجتماعی بیش‌تر، منتهی به سرمایهٔ اجتماعی بالاتر می‌شود یا برعکس جامعه‌ای که دارای سرمایهٔ اجتماعی بیش‌تری است از میزان توسعهٔ اجتماعی بالاتری نیز برخوردار است.

روش‌شناسی

تصمیم‌گیری چند شاخصه[1]

در بسیاری از موارد، نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌ها وقتی مطلوب و مورد رضایت تصمیم گیرنده است که تصمیم‌گیری بر اساس چندین معیار بررسی و تجزیه و تحلیل شده باشد. در مدل‌های تصمیم‌گیری چند گانه هم‌زمان چند معیار با یکدیگر در تعیین بهترین گزینه، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در تصمیم‌گیری با معیارهای چند گانه معمولا به دنبال گزینه‌ای هستیم که بیش‌ترین ضریب را برای تمامی معیارها ارائه می‌کند (مهرگان، ۱۳۸۷). منظور از معیار، عواملی است که تصمیم گیرنده به منظور افزایش مطلوبیت و رضایت خود مد نظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر معیار، استانداردها و قوانینی است که برای قضاوت مورد استفاده قرار گرفته و میزان اثر بخشی را در تصمیم‌گیری بیان می‌دارد (مهرگان، ۱۳۸۷). تصمیم‌گیری بر اساس معیارهای چند گانه به دو صورت کلی، تصمیم‌گیری بر اساس چند شاخص و تصمیم‌گیری بر اساس چندین هدف تقسیم می‌گردد. در این مقاله، بر اساس تصمیم‌گیری چند شاخصه به بررسی سطح توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها پرداخته‌ایم.

روش تکنیک رجحان ترتیبی با تشابه به جواب ایده‌آل[2]

این تکنیک یکی از روش‌های مدل جبرانی تصمیم‌گیری چند شاخصهٔ (MADM) است (اصغر پور، ۱۳۸۵: ۲۱٤). مدل TOPSIS توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱، پیشنهاد شد.

1. Multi Attribute Decision Making (MADM)
2. Technique for Order –Preference by Similarity to ideal Soulution (TOPSIS)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

در این روش m گزینه به وسیلهٔ n شاخص، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۲٤). اصل توافقی روش TOPSIS برای تصمیم‌گیری چند شاخصه این است که گزینهٔ انتخاب شده باید کوتاه‌ترین فاصله را از راه حل ایده آل مثبت و بیش‌ترین فاصله را از گزینهٔ ایده‌آل منفی داشته باشد (یونگ ـ جولای و دیگران، ۱۹۹٤). فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، به طور یکنواخت افزایشی یا کاهشی است (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۲٤).

اطلاعات ورودی به روش TOPSIS:

برای این‌که بتوانیم استان‌های مختلف را به روش TOPSIS با توجه به شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی اولویت‌بندی نماییم نیازمند دو نوع اطلاعات هستیم. اطلاعات اول مربوط به مقدار و میزان هر شاخص برای هر استان است (که در یک ماتریس به نام ماتریس تصمیم فرموله‌بندی می‌شود) و اطلاعات دوم میزان اهمیت هر شاخص (که همان وزن شاخص می‌باشد). بدین ترتیب لازم است دو مورد زیر قبل از استفاده از روش TOPSIS مشخص شوند:

الف) ماتریس تصمیم‌گیری:

مدل چند شاخصه (MADM) به‌صورت ماتریس چند شاخصه زیر فرموله می‌گردد؛

$$D=\begin{array}{c|cccc} & X_1 & X_2 & \dots & X_n \\ \hline A_1 & r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ A_2 & r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ . & . & . & \dots & . \\ . & . & . & \dots & . \\ A_m & r_{m1} & r_{m2} & \dots & r_{mn} \end{array}$$

در این مقاله استان‌های مختلف که باید در مورد اولویت آن‌ها تصمیم‌گیری شود، گزینه‌های تصمیم ما هستند که آن‌ها را در ماتریس تصمیم با $A_{30},\dots,A_2,A_1$ (به عنوان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سطرهای ماتریس) نمایش می‌دهیم و به عبارتی تعداد گزینه‌های تصمیم ما ۳۰ استان (m=۳۰) می‌باشند. همچنین ۱۳ شاخص توسعهٔ اجتماعی را به ترتیب با $X_1, X_2, \ldots, X_{13}$ به عنوان ستون‌های ماتریس تصمیم نمایش می‌دهیم و به عبارتی تعداد شاخص‌های تصمیم ما ۱۳ شاخص (n=۱۳) می‌باشند. همچنین مقدار شاخص j ام برای استان i ام در ماتریس تصمیم با r_{ij} نمایش داده می‌شود. مثلاً مقدار شاخص سوم برای استان بیستم در ماتریس تصمیم در ستون سوم و سطر بیستم قرار می‌گیرد.

ب) بردار اوزان (W) برای شاخص‌ها

در گام بعدی باید اهمیت هر یک از شاخص‌ها مشخص شود که وزن هریک از ۱۳ شاخص توسعه اجتماعی را به ترتیب با $W_1, W_2, \ldots, W_{13}$ نمایش می‌دهیم. وزن هر شاخص میزان اهمیت نسبی آن شاخص را نسبت به شاخص‌های دیگر نشان می‌دهد، بطوری که مجموع وزن همه ی شاخص‌ها باید یک شود (اصغر پور، ۱۳۸۵).

الگوریتم روش TOPSIS:

۱ـ تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به یک ماتریس«بی‌مقیاس شده» با استفاده از فرمول:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m} r_{ij}^{2}}}$$

شایان ذکر است، ضرورت بی مقیاس سازی در ماتریس تصمیم به خاطر وجود شاخص‌های مثبت (نظیر امید به زندگی که هر چه بیش‌تر باشد بهتر است) و منفی (نظیر نرخ بیکاری که هرچه کم‌تر باشد بهتر است) باهم، در یک ماتریس تصمیم می‌باشد. در کنار این قضیه، شاخص‌های کمی، دارای یک بُعد خاص می‌باشند. از آن‌جایی که برخی از شاخص‌ها بر اساس درصد می‌باشند و برخی دیگر به عنوان مثال بر اساس تعداد نفرات به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

پزشک یا تعداد نفرات بـه تخـت درمـانی و ... بـوده‌انـد؛ بـه منظـور قابـل مقایـسه شـدن مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری باید از بی مقیاس سازی استفاده کرد کـه بـه وسـیله ی آن، مقادیر شاخص‌های مختلف، بدون بُعد شده و جمع پذیر می‌شوند (مؤمنی، ۱۳۸۷، ۹).

۲ـ ایجاد ماتریس «بی‌مقیاس» وزین با مفروض بودن بردارWبه عنوان ماتریس اوزان، یعنی:

$$W = \{w_1, w_2, ..., w_n\}$$

$$\text{ماتریس بی‌مقیاس وزین} \quad = V = N_D.W_{n\times n} = \begin{vmatrix} v_{11} & .. & v_{1j} & .. & v_{1n} \\ .. & & .. & & .. \\ v_{m1} & .. & v_{mj} & .. & v_{mn} \end{vmatrix}$$

به‌طوریکه ND ماتریسی است کـه امتیـازات شـاخص‌هـا در آن «بـی مقیـاس» و قابـل اندازه‌گیری شده است، و Wn×n ماتریسی است قطری که فقط عناصر قطر اصـلی آن غیـر صفر خواهد بود.

۳ـ مشخص نمودن راه حل ایده‌آل و راه حل ایده‌آل منفی: گزینهٔ ایده آل(A*) و گزینهٔ ایده آل منفی(A-) را به صورت زیر تعریف می‌کنیم؛

$$A^* = \left\{ \left(\max_i \ V_{ij} \middle| j \in J \right), \left(\min_i \ V_{ij} \middle| j \in J' \middle| i = 1,2,...,m \right) \right\} = \left\{ V_1^+, V_2^+, ..., V_j^+, ..., V_n^+ \right\}$$

$$A^- = \left\{ \left(\min_i \ V_{ij} \middle| j \in J \right), \left(\max_i \ V_{ij} \middle| j \in J' \middle| i = 1,2,...,m \right) \right\} = \left\{ V_1^-, V_2^-, ..., V_j^-, ..., V_n^- \right\}$$

به‌طوریکه؛

$J = \{ j = 1,2,..., n \mid$ زهای مربوط به شاخص‌های مثبت $\}$

$J' = \{ j = 1,2,..., n \mid$ زهای مربوط به شاخص‌های منفی $\}$

۴ـ محاسبهٔ اندازهٔ جدایی (فاصله): فاصلهٔ گزینهٔ i ام با گزینهٔ ایده آل مثبـت(di+) و فاصـلهٔ گزینهٔ i ام با گزینهٔ ایـده آل منفـی(di-) بـا اسـتفاده از روش اقلیدسـی بـدین قـرار اسـت؛

$$d_{i+} = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} \left(V_{ij} - V_j^+ \right)^2} \ ; i = 1,2,..., m \quad , \quad d_{i-} = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} \left(V_{ij} - V_j^- \right)^2} \ ; i = 1,2,..., m$$

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

۵ـ محاسبه نزدیکی نسبی Ai به راه حل ایده آل این نزدیکی نسبی را به‌صورت زیر تعریف می‌کنیم؛

$$cl_{i+} = \left(\frac{d_{i-}}{d_{i+} + d_{i-}} \right); \cdot \le cl_{i+} \le ۱; i = ۱,۲,...,m$$

هر اندازه گزینه Ai به راه حل ایده‌آل (A*) نزدیکتر باشد، ارزش cli+ به واحد نزدیک‌تر خواهد بود.

٦ـ رتبه‌بندی گزینه ها: بر اساس ترتیب نزولی cli+ می‌توان گزینه‌های موجود از مسئله را رتبه‌بندی کرد (اصغر پور، ۱۳۸۵: ۲٦۰ – ۲٦۲).

شاخص‌های تصمیم در مدل TOPSIS

شاخص‌های اجتماعی ابزارهایی را برای ارزیابی جنبه‌های مختلف وضعیت اجتماعی ارائه می‌کنند. مزومدر (۱۹۹٦) با بررسی رابطهٔ بین توسعهٔ اجتماعی و رشد اقتصادی، شاخص‌های زیر را برای اندازه‌گیری توسعهٔ اجتماعی به کار برده است: درصد شهرنشینی از کل جمعیت، امید به زندگی در بدو تولد، سرانهٔ کالری مصرفی، میزان مرگ و میر نوزادان در هر ۱۰۰۰ تولد، وضعیت بهداشت جمعیت، سطح سواد بزرگسالان بالای ۱۵ سال، نسبت معلم به شاگرد مدارس ابتدایی و ماشین‌های مسافرتی برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت.

در رابطه با شاخص‌هایی که در این مقاله برای سنجش سطح توسعهٔ اجتماعی استان‌ها ارائه شده است، در ابتدا با مرور ادبیات راجع به توسعهٔ اجتماعی و با توجه به نظر کارشناسان، تعدادی شاخص که سطح توسعهٔ اجتماعی را می‌سنجند، انتخاب شد و در ادامه با توجه به کمبود اطلاعات و داده ها، آن شاخص‌هایی انتخاب شده‌اند که آمار آن‌ها در دسترس بوده است. شاخص‌هایی که در این مقاله برای سنجش سطح توسعهٔ اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند، عبارتند از: ضریب جینی درآمد روستایی و شهری، نرخ بیکاری،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

نرخ مشارکت اقتصادی (اشتغال)، تعداد افراد به پزشک، تعداد افراد به تخت درمانی، تعداد افراد به داروخانه، مرگ و میر اطفال زیر یک سال، سهم اشتغال در بخش صنعت، درصد فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای به کل فارغ التحصیلان دوره متوسطه، میزان شهرنشینی، امید به زندگی در بدو تولد و نرخ باسوادی.

ارزیابی اوزان (Wj) برای شاخص‌ها به روش آنتروپی[1]

در اکثر مسائل MADM نیاز به داشتن و دانستن اهمیت نسبی از شاخص‌های موجود داریم، به‌طوری که مجموع آن‌ها برابر با واحد (نرمالیزه[2]) شده و این اهمیت نسبی درجهٔ ارجحیت هر شاخص را نسبت به بقیه برای تصمیم‌گیری مورد نظر بسنجد (اصغرپور، ۱۳۸۵: ۱۹۵). آنتروپی یک مفهوم عمده در علوم فیزیکی، علوم اجتماعی و تئوری اطلاعات می‌باشد به طوری که نشان دهندهٔ مقدار عدم اطمینان موجود از محتوای مورد انتظار اطلاعاتی از یک پیام است. به لفظ دیگر، آنتروپی در تئوری اطلاعات معیاری است برای مقدار عدم اطمینان بیان شده توسط یک توزیع احتمال گسسته به طوری که این عدم اطمینان، در صورت پخش بودن (broad) توزیع بیش‌تر از موردی است که توزیع فراوانی تیزتر باشد (اصغرپور، ۱۳۸۵). «ماتریس تصمیم‌گیری»، حاوی اطلاعاتی است که آنتروپی می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی آن به کار رود (مؤمنی، ۱۳۸۷: ١٤). وقتی که داده‌های یک ماتریس تصمیم‌گیری، به طور کامل مشخص شده باشد، می‌توان از روش آنتروپی، برای ارزیابی اوزان استفاده کرد. ایده ی روش فوق، این است که هر چه پراکندگی در مقادیر یک شاخص، بیش‌تر باشد، آن شاخص از اهمیت بیش‌تری برخوردار است (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۱۳-١٤).

با توجه به مرور ادبیات و پیشینهٔ تحقیق، یکی از روش‌های معمول در بررسی سطح توسعهٔ مناطق یا نقاط مورد مطالعه و رتبه‌بندی آن‌ها تکنیک تاکسونومی است، که در سال

1. entropy
2. normalization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

۱۹۶۸ توسط سازمان یونسکو برای سنجش سطح توسعهٔ کشورها توصیه گردید. البته روش تاکسونومی دارای محدودیت‌هایی است که روش مورد استفاده در این مقاله (روش تاپسیس که در ۱۹۸۱ مطرح گردید)، به نوعی آن محدودیت‌ها را پوشش می‌دهد. اولاً در روش تاکسونومی تنها یک نقطه را به عنوان نقطهٔ ایده آل انتخاب می‌کنند و فاصلهٔ سایر نقاط با آن سنجیده می‌شود و بر مبنای فاصلهٔ اقلیدسی آن نقطه، رتبه‌بندی می‌گردند. در حالی‌که روش تاپسیس از همین منطق به طور تکامل یافته‌تری استفاده می‌کند، یعنی علاوه بر این‌که فاصلهٔ نقاط را با نقطهٔ ایده ال مثبت (نقطه‌ای که در تمام ویژگی‌ها بهترین مقدار را دارد) می‌سنجد، هم‌زمان به نقطهٔ ایده آل منفی (نقطه‌ای که در تمام ویژگی‌ها بدترین مقدار را دارد) نیز توجه دارد و نقاط را بر اساس حداقل فاصله با نقطهٔ ایده آل مثبت و حداکثر فاصله با نقطه ایدهٔ آل منفی رتبه‌بندی می‌کند.

دوم این‌که روش تاکسونومی برای کلیهٔ متغیرها وزن یکسانی قائل می‌شود، در حالی که در عالم واقع این متغیرها اهمیت متفاوتی دارند. حال آن که روش تاپسیس وزن‌های شاخص‌ها را به عنوان ورودی‌های اصلی مدل لازم دارد. البته در برخی موارد برای رفع محدودیت دوم روش تاکسونومی، از روش‌های کلی وزن دهی از جمله روش تحلیل عاملی[1] و تحلیل مؤلفه‌های اصلی[2] استفاده می‌شود. روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روشی جهت کاهش متغیرها در شرایطی است که بین متغیرها همبستگی وجود داشته باشد. این روش متغیرهای اصلی را به متغیرهای غیر همبسته تبدیل و تعداد آن متغیرها را کاهش می‌دهد و متغیرهای جدید را عامل اصلی می‌نامد. تحلیل عاملی نیز با تقلیل متغیرها و رفع همبستگی آن‌ها عوامل را به عنوان متغیرهای جدید در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. حال آن‌که در این پژوهش از روش آنتروپی برای وزن دهی شاخص‌ها (برای استفاده در روش تاپسیس) استفاده شده است که نیازی به حذف کردن شاخص‌ها ندارد و هر چه پراکندگی

1. factor analysis
2. principal component analysis

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

در مقادیر یک شاخص، بیش‌تر باشد، آن شاخص از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و با دادن وزنهای متفاوت، اثر تمام شاخص‌ها (حتی شاخص‌های کم اهمیت) را با توجه به میزان اهمیت شان در رتبه‌بندی اعمال می‌کند (پردازی مقدم، ۱۳۸٦ و مؤمنی، ۱۳۸۷).

شایان ذکر است که بسیاری از محققان ازجمله: رویژن جرجسکو (۱۹۷۱)، تیل (۱۹۷۲)، کریپندورف (۱۹۸٦)، بیلی (۱۹۹۰) و لویدسدورف (۱۹۹۵) نیز بر استفاده از تکنیک آنتروپی برای تعیین وزن شاخص‌ها در مباحث علوم اجتماعی تأکید کرده‌اند.

جامعهٔ آماری و جمع‌آوری داده‌ها

جامعه آماری در این مقاله کل استانهای کشور که در سال ۱۳۸۵ تعداد ۳۰ استان بوده‌اند را شامل می‌شود. با توجه به موضوع کار در این پژوهش، نمونه و جامعهٔ آماری یکی است. در این پژوهش از شیوهٔ تحلیل ثانویه و از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ مرکز آمار، پروژهٔ تحلیل وضعیت سلامت وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۲، پیمایش‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و «رفتارهای فرهنگی ایرانی» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مقاله‌ای علمی ـ پژوهشی (حسینی و دیگران، ۱۳۸۷) در رابطه با این موضوع، استفاده شده است.

از آن جا که این مطالعه به شیوهٔ تحلیل ثانوی با استفاده از داده‌های مطالعات پیشین می‌باشد، لذا پایایی و روایی شاخص‌های این مطالعه به طور مبسوط در دو پیمایش فوق‌الذکر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجود می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های روش Entropy اوزان و اولویت شاخص‌ها با روش آنتروپی برای رتبه‌بندی استان‌ها با توجه به این اصل که هر چه پراکندگی در مقادیر یک شاخص، بیش‌تر باشد، آن شاخص از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، در جدول (۲) آمده است. بر اساس یافته‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

پژوهش و با روش آنتروپی، بیش‌ترین وزن در محاسبه سطح توسعهٔ اجتماعی استان‌ها در سال ۱۳۸۵ مربوط به تعداد افراد به پزشک (۱۶/۶۸)، و به ترتیب، تعداد افراد به تخت درمانی (۱۳/۹)، سهم اشتغال در بخش صنعت (۱۳/۲۱)، نرخ بیکاری (۱۲/۸۱)، تعداد افراد به داروخانه (۱۲/۵۵)، شهرنشینی (۸/۲۹)، درصد فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای به کل فارغ التحصیلان دورهٔ متوسطهٔ عمومی (۸/۱۳)، مرگ و میر اطفال زیر یک سال (۵/۹۳)، ضریب جینی روستایی (۳/۰۶)، ضریب جینی شهری (۲/۴۶)، نرخ مشارکت اقتصادی (اشتغال) (۱/۹۷)، نرخ باسوادی (۰/۷۸)، امید به زندگی در سال اول تولد (۰/۱۴) بوده است.

جدول ۲: نتایج اوزان شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی با روش آنتروپی و اولویت‌بندی آن‌ها

اولویت	شاخص	وزن شاخص
۱	تعداد افراد به پزشک	۱۶/۶۸٪
۲	تعداد افراد به تخت درمانی	۱۳/۹۹٪
۳	سهم اشتغال در بخش صنعت	۱۳/۲۱٪
٤	نرخ بیکاری	۱۲/۸۱٪
٥	تعداد افراد به داروخانه	۱۲/۵۵٪
٦	میزان شهر نشینی	۸/۲۹٪
۷	درصد فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای به کل فارغ التحصیلان دورهٔ متوسطهٔ عمومی	۸/۱۳٪
۸	میزان مرگ و میر اطفال زیر یکسال از ۱۰۰۰ نوزاد	۵/۹۳٪
۹	ضریب جینی روستایی	۳/۰۶٪
۱۰	ضریب جینی شهری	۲/٤٦٪
۱۱	نرخ مشارکت اقتصادی (اشتغال)	۱/۹۷٪
۱۲	نرخ باسوادی	۰/۷۸٪
۱۳	امید به زندگی در سال اول تولد	۰/۱٤٪
جمع	.....	۱۰۰٪

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

رتبه‌بندی استان‌ها با روش TOPSIS:

در روش (TOPSIS) یک استان ایده‌آل فرضی مثبت و یک استان ایده آل فرضی منفی در نظر گرفته می‌شود. این استان مجازی در تمام شاخص‌ها بهترین مقدار را کسب کرده است. در رتبه‌بندی استانها، هر چقدر میزان فاصلهٔ اقلیدسی یک استان از این گزینه کم‌تر باشد، آن استان دارای سطح توسعهٔ اجتماعی بالاتری است. همچنین این روش یک استان ایده آل فرضی منفی را معرفی می‌کند. این استان مجازی در تمام شاخص‌ها بدترین مقدار را کسب کرده است. در رتبه‌بندی استانها، هر چقدر میزان فاصلهٔ اقلیدسی یک استان از این گزینه بیش‌تر باشد، این استان فرضی دارای سطح توسعهٔ اجتماعی بالاتری است. بر اساس فاصله استان‌ها با این استانهای فرضی، رتبهٔ استان‌ها از نظر سطح توسعهٔ اجتماعی در مقایسه با هم مشخص می‌شود. که رتبه‌بندی بر اساس ترتیب نزولی +cli برای هر یک از استان‌ها صورت می‌گیرد.

همان طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، استان یزد با (۰/۸۳۲) امتیاز، دارای کم‌ترین فاصلهٔ نسبی به استان ایده آل مثبت فرضی و دارای بیش‌ترین فاصلهٔ نسبی به استان ایده آل منفی فرضی، رتبهٔ اول را در بین استان‌های کشورکسب نموده و استان کهکیلویه و بویراحمد با (۰/۲۳۲) امتیاز، دارای بیش‌ترین فاصلهٔ نسبی به استان ایده آل مثبت مجازی و دارای کم‌ترین فاصلهٔ نسبی به استان ایده آل منفی مجازی، پایین‌ترین رتبه را در بین استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ به دست آورده است. همان طور که مشاهده می‌شود استان‌های یزد، اصفهان، خراسان رضوی، سمنان و مازندران دارای بالاترین سطح توسعهٔ اجتماعی و استان‌های کهکیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، ایلام، لرستان و اردبیل دارای پایین‌ترین سطح توسعهٔ اجتماعی بوده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

جدول ۳: رتبه‌بندی استان‌ها به روش TOPSIS بر اساس مقدار شاخص+cli

رتبه	استان	Ci*	رتبه	استان	Ci*	رتبه	استان	Ci*
۱	یزد	۰/۸۳۲	۱۱	زنجان	۰/۵۳٦	۲۱	کرمان	۰/٤٦۷
۲	اصفهان	۰/۷۰٤	۱۲	قم	۰/۵۲۲	۲۲	کرمانشاه	۰/٤۱۹
۳	خراسان رضوی	۰/٦۷۹	۱۳	فارس	۰/۵۲۱	۲۳	خراسان شمالی	۰/٤۱٦
٤	سمنان	۰/٦٦٦	۱٤	بوشهر	۰/۵۲	۲٤	آذربایجان غربی	۰/٤۰۵
۵	مازندران	۰/٦٤۸	۱۵	خوزستان	۰/۵۱۱	۲۵	هرمزگان	۰/۳۹۵
٦	تهران	۰/٦۱٤	۱٦	خراسان جنوبی	۰/۵۰۹	۲٦	اردبیل	۰/۳۸۲
۷	چهارمحال و بختیاری	۰/٦۰۱	۱۷	کردستان	۰/۵۰٤	۲۷	لرستان	۰/۳۷۷
۸	آذربایجان شرقی	۰/۵۹۳	۱۸	قزوین	۰/٤۹۹	۲۸	ایلام	۰/۳٦٦
۹	گلستان	۰/۵۷۸	۱۹	همدان	۰/٤۹۲	۲۹	سیستان و بلوچستان	۰/۳۱۱
۱۱	گیلان	۰/۵۷۱	۲۰	مرکزی	۰/٤۸۵	۳۰	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۳۲

رتبه‌بندی این مطالعه بر اساس شاخص توسعهٔ اجتماعی با مطالعات دیگری در زمینهٔ توسعه، دارای هم پوشی زیادی است از جمله: طبق مطالعهٔ کمالی (۱۳۸۳) در شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی استان‌های تهران، اصفهان و یزد بالاترین سطح توسعه و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و لرستان پایین‌ترین سطح توسعه را داشته‌اند. طبق مطالعهٔ تقوایی (۱۳۸٤) با شاخص توسعهٔ انسانی در مناطق روستایی کشور، استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، ایلام، کهکیلویه و بویراحمد و زنجان دارای پایین‌ترین و تهران، فارس، اصفهان، یزد و گیلان دارای بالاترین میزان توسعهٔ انسانی بوده‌اند. طبق مطالعهٔ کلانتری و گنجی (۱۳۸٤) استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

غربی، هرمزگان و اردبیل در پایین‌ترین و استان‌های تهران، اصفهان، یزد، سمنان و قم در بالاترین رتبه از نظر توسعه اجتماعی قرار گرفته‌اند.

رابطهٔ عناصر سرمایهٔ اجتماعی با توسعهٔ اجتماعی

همان طور که در بخش نظری مقاله آمد هم تغییری معناداری بین توسعهٔ اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد که پاتنام در این که کدام یک علت است، بحث تحلیل تعادلی را مطرح کرده است. در این پژوهش نیز بین توسعهٔ اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود دارد. در این بخش با توجه به نمرهٔ سرمایه اجتماعی و توسعهٔ اجتماعی در استان‌های کشور به رابطهٔ میان این دو شاخص می‌پردازیم و وضعیت و میزان همبستگی این دو شاخص را در بین استان‌ها بررسی می‌کنیم.

جدول٤: رتبه‌های استانی سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اجتماعی

		سرمایهٔ اجتماعی							توسعهٔ اجتماعی
		غیررسمی		تعمیم یافته		نهادی		سرمایهٔ اجتماعی کل	
		ساختاری	شناختی	ساختاری	شناختی	ساختاری	شناختی		
۱	آذربایجان شرقی	۲٦	۱۲	۱٤	۱۳	۲۵	۱۱	۱۷	۸
۲	آذربایجان غربی	۲۰	۱۳	۹	۲۵	۱٤	۲۳	۲۰	۲٤
۳	اردبیل	۱۵	۱٤	۲۸	۸	۱۹	۵	۱۳	۲٦
٤	اصفهان	۱۷	۲۵	۸	۲٦	۲۷	۲۲	۲۷	۲
۵	ایلام	۵	۵	۲	۱	۲	۲	۱	۲۸
٦	بوشهر	٤	۹	۱۸	٦	۸	٦	٤	۱٤
۷	تهران	۲۸	۱۰	۱۹	۲۷	۲۸	۲٦	۲۸	٦
۸	چهارمحال بختیاری	۲۳	۲۳	۲۰	۲۲	۳	۱۸	۱۹	۷
۹	خراسان رضوی	۱۳	۲۸	۷	۲۰	۱۲	۱۵	۲۲	۳
۱۰	خوزستان	۱۲	۷	۱۲	۱۹	۲٤	۲۵	۲٤	۱۵
۱۱	زنجان	۱۸	۱۷	۲۲	۱٦	۱۱	۱۳	۱٦	۱۱
۱۲	سمنان	۹	۱۹	۲۳	۵	۹	۱۰	۱۲	٤

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

		سرمایهٔ اجتماعی						توسعهٔ اجتماعی
		غیررسمی		تعمیم یافته		نهادی		سرمایهٔ اجتماعی کل
		ساختاری	شناختی	ساختاری	شناختی	ساختاری	شناختی	
۱۳	سیستان‌و بلوچستان	۷	۲	۲۵	۲	۱۲	۱	۵	۲۹
۱٤	فارس	۲۷	۲۷	۱۳	۲۸	۱۳	۲۸	۲٦	۱۳
۱۵	قزوین	۸	۲۰	۲٤	۱٤	۱۸	۱٤	۱۵	۱۸
۱٦	قم	۱۲	۲۲	٤	۱۵	۲٦	۱۷	۱٤	۱۲
۱۷	کردستان	۱٤	٤	۱۱	۱۰	۲۰	۹	۷	۱۷
۱۸	کرمان	۱۰	۲٦	۱۵	۱۸	۷	۲۰	۲۳	۲۱
۱۹	کرمانشاه	۲۲	۱۱	۱٦	۱۲	۱۵	٤	۹	۲۲
۲۰	کهکیلویه و بویراحمد	۲	۱٦	۵	٤	۱	۱۹	۲	۳۰
۲۱	گلستان	۲۵	۱	۱۷	۲٤	٤	۲٤	۱۸	۹
۲۲	گیلان	۱۹	۱۸	٦	۲۳	٦	۲۷	۲۱	۱۰
۲۳	لرستان	۳	۱۲	۱	۷	۵	۱۲	۳	۲۷
۲٤	مازندران	۱	٦	۳	۹	۱۰	۱۲	٦	۵
۲۵	مرکزی	۱۱	۸	۱۰	۱۷	۲۳	۷	۸	۲۰
۲٦	هرمزگان	٦	۳	۲۷	۱۱	۱٦	۱٦	۱۰	۲۵
۲۷	همدان	۲٤	۱۵	۲٦	۱۲	۲۲	۸	۲۵	۱۹
۲۸	یزد	۱٦	۲٤	۱۲	۳	۱۷	۳	۱۱	۱
	خراسان جنوبی	۱۳	٦	۱۱	۱۵	۲۲	۱۷	۱٦	۱٦
	خراسان شمالی	۲۱	۱۲	۱۳	۱۸	۱٤	۱۳	۱۵	۲۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق و حسینی و دیگران (۱۳۸۷)

با توجه به رتبه‌هایی که استان‌ها در سرمایهٔ اجتماعی و عناصر آن از یک طرف و رتبهٔ توسعهٔ اجتماعی از طرف دیگر کسب کرده‌اند، به مقایسهٔ توسعهٔ اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی می‌پردازیم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

جدول ۵: رابطهٔ عناصر سرمایهٔ اجتماعی با توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها

عناصر سرمایه اجتماعی		میزان همبستگی	سطح معناداری
غیر رسمی(خرد ـ درون گروهی)	ساختاری	-۰/۳۲۲*	۰/۰۴۱
	شناختی	-۰/۳۸۸*	۰/۰۱۷
تعمیم یافته (خرد ـ میان گروهی)	ساختاری	۰/۰۴۷	۰/۴۰۲
	شناختی	-۰/۳۷۹*	۰/۰۱۹
نهادی(کلان)	ساختاری	-۰/۲۰۸	۰/۱۳۵
	شناختی	۰/۲۶۹	۰/۰۷۵
سرمایهٔ اجتماعی کل	ـ	-۰/۴۷۵**	۰,۰۰۴

همان‌طورکه در جدول (۵) ملاحظه می‌شود، از بررسی همبستگی اسپیرمن در زمینهٔ رابطهٔ عناصر سرمایهٔ اجتماعی و سطح توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها، به این نتایج می‌رسیم که، بین توسعهٔ اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی غیر رسمی در سطح شناختی، رابطهٔ معنی دار و معکوسی وجود دارد. میزان همبستگی برابر با (۰/۳۸۸-) و سطح معنی داری (۰/۰۱۷) می‌باشد. به عبارتی، میزان اعتماد به اعضای خانواده، اقوام و دوستان و همچنین هم فکری و مشورت بین افراد نزدیک، با بالارفتن سطح توسعهٔ اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. همچنین بین سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری و توسعه اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد، میزان همبستگی (۰/۳۲۲-) و سطح معنی داری (۰/۰۴۱) می‌باشد. به عبارتی با بالارفتن میزان توسعه یافتگی استان ها، مشارکت‌های خصوصی و غیر رسمی افراد از جمله رفت و آمد بین خانواده‌ها و اقوام، همسایگان و دوستان کاهش پیدا می‌کند. در عنصر سرمایهٔ اجتماعی تعمیم یافته، سرمایهٔ اجتماعی در بعد تعمیم یافتهٔ ساختی، رابطهٔ معنی داری با توسعهٔ اجتماعی در سطح استان‌ها ندارد و یا به عبارتی در این سطح، میزان شرکت افراد در انجمن ها، شرکت در نماز جماعت و فعالیت‌های مذهبی و همکاری کردن با افراد دور، با نمره توسعهٔ اجتماعی رابطه‌ای ندارد. اما در سطح سرمایهٔ اجتماعی تعمیم یافتهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

شناختی، رابطهٔ معنی‌داری با توسعهٔ اجتماعی وجود دارد. میزان همبستگی برابر با (۰/۳۷۹) و میزان معنی‌داری (۰/۰۱۹) می‌باشد. در این سطح کـه یکـی از مهـم‌تـرین ابعـاد سـرمایهٔ اجتماعی یعنی اعتماد عمومی است، با بالارفتن سطح توسعهٔ اجتماعی میزان اعتماد عمومی کاهش پیدا می‌کند، یا به عبارتی با افزایش میزان توسعه یافتگی اجتماعی، از میزان گذشت، امانت داری، انصاف، خیرخواهی و کمک به دیگران، صداقت و راسـتگویی و پایبنـدی بـه قول قرار در جامعه کاسته می‌شود. داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که سـرمایهٔ اجتمـاعی در سطح نهادی (کلان) نه در بعد شناختی (اعتماد به نهادها، اصناف و گروههای اجتمـاعی) و نه در بعد ساختاری (میزان شرکت در انتخابات) بـا توسـعهٔ اجتمـاعی رابطـهٔ معنـی داری ندارد. در پایان میزان سرمایهٔ اجتماعی کـل، کـه میـانگین عناصـر تـشکیل دهنـدهٔ سـرمایه اجتماعی در جدول بالا است با میزان توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها رابطـهٔ معنـادار منفـی و معکوسی دارد. میزان همبستگی (۰/٤۷۵-) و میزان معناداری برابر با (۰/۰۰٤) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با ارائهٔ شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی با روش تصمیم‌گیری چنـد شاخـصه (MADM) و روش وزن دهی آنتروپی، شاخص‌های مؤثر در تعیین سطح توسعهٔ اجتمـاعی استان‌ها مشخص، و بر اساس آن‌ها، بـا روش تاپـسیس، رتبـه‌بنـدی اسـتان‌هـا در توسـعهٔ اجتماعی ارائه شده است. براساس روش (TOPSIS) و بر حسب نزدیکی به استان ایده آل فرضی مثبت و دوری نسبی از استان ایده آل فرضی منفی، در سال ۱۳۸۵ استان‌هـای یـزد، اصفهان و خراسان رضـوی دارای بـالاترین سـطح و اسـتان‌هـای کهکیلویـه و بویراحمـد، سیستان و بلوچستان و ایلام دارای پایین‌ترین سطح توسعهٔ اجتماعی بوده‌اند. همچنین ایـن مطالعه نشان می‌دهد که استان‌های کهکیلویـه و بویراحمـد، سیـستان و بلوچـستان، ایـلام، لرستان و اردبیل که در رتبه‌بندی در سطح پـایینی قـرار گرفتـه‌انـد، لـزوم توجـه جـدی را می‌طلبند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مقایسهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها با همبستگی اسپیرمن، نشان می‌دهد که برعکس نظریه‌ها و مطالعاتی که در بحث رابطهٔ توسعهٔ اجتماعی و سرمایهٔ اجتماعی به آن‌ها اشاره شد و به وجود رابطهٔ مثبت و مستقیم بین سرمایهٔ اجتماعی و توسعه اشاره کرده‌اند، باید گفت به نوعی در کشور ما این رابطه وجود ندارد. این مطالعه نشان می‌دهد بین میزان توسعهٔ اجتماعی و برخی عناصر سرمایهٔ اجتماعی شامل شبکهٔ روابط درون گروهی، اعتماد خصوصی، اعتماد عمومی و سرمایهٔ اجتماعی کل، رابطهٔ معنی دار و معکوسی وجود دارد. همچنین بین توسعهٔ اجتماعی و برخی دیگر از عناصر سرمایهٔ اجتماعی شامل مشارکت‌های رسمی، مشارکت‌های غیر رسمی و اعتماد نهادی رابطهٔ معناداری وجود ندارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که برخلاف فرض این مطالعه که توسعهٔ اجتماعی بیش‌تر باید به سرمایهٔ اجتماعی بیش‌تر منجر شود، با بالارفتن سطح توسعهٔ اجتماعی در استان‌ها، میزان سرمایهٔ اجتماعی شبکه‌های درون گروهی غیر رسمی، مانند روابط بین افراد خانواده، اقوام و خویشان، دوستان، همکاران و همسایگان، اعتماد خصوصی، اعتماد عمومی و سرمایهٔ اجتماعی کل در جامعه کاهش پیدا می‌کند. در بعد اعتماد خصوصی، شامل اعتماد به اعضای خانواده، اقوام و خویشان و دوستان، مشورت با اعضای خانواده و دوستان و درد دل با اعضای خانواده و دوستان و در بعد اعتماد عمومی، باور به امانت‌داری، گذشت، انصاف، کمک به دیگران، صداقت و راست گویی و عمل به قول و قرار، کاهش پیدا می‌کند. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که سطح توسعهٔ اجتماعی با شبکه‌های برون گروهی ساختاری مانند: شرکت در فعالیت‌های مذهبی و شرکت در انجمن‌ها و همکاری‌های برون گروهی مانند: انجمن‌ها و همچنین سرمایهٔ اجتماعی نهادی (کلان) مانند: میزان مشارکت در انتخابات، میزان اعتماد به افراد و گروه‌های رسمی که با آن‌ها روابط متقابل رودرو نداریم و همچنین نحوهٔ تعامل با حکومت، رابطه‌ای ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

نتیجهٔ این تحقیق قابل انطباق با نتایج تحقیقات مشابه در ایران است. ربـانی و دیگـران (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با بررسی رابطهٔ میان سطح رفاه اجتماعی و سرمایهٔ اجتمـاعی در بـین شهرستان‌های استان اصفهان به نتیجه‌ای مشابه رسیده‌اند که همراه با بـالارفتن میـزان رفـاه اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و به نوعی اعتماد برون گروهی کـه یکـی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسـت، کـاهش مـی‌یابـد. کمـالی (۱۳۸۳)، در رسـالهٔ دکترای خود نشان می‌دهد که با بالارفتن میزان توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی در اسـتان هـا، به نوعی سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها کم می‌شود. عبداللهی و موسوی (۱۳۸٦) در مقاله ی خـود نتیجه می‌گیرند که میانگین سرمایهٔ اجتماعی در مراکز توسعه نیافتهٔ استان‌های کـشور نظیـر سیستان و بلوچستان و ایلام بالا و برعکس، در مراکز توسعه یافتهٔ این استان‌ها نظیر تهـران و اصفهان پایین است. شاید این امر بیانگر این واقعیـت باشـد کـه بـا گـسترش شـهرها و توسعهٔ نابرابر و نامتوازن سرمایهٔ اجتماعی به ویژه نوع قدیم آن دچـار فرسـایش مـی‌گـردد ولی هم زمان با آن، سرمایهٔ اجتماعی جدید جایگزین نمی‌شود. دینی ترکمـانی (۱۳۸٦) بـه این نتیجه می‌رسد که سرمایهٔ اجتماعی در جامعهٔ ایران طی سال‌های بعد از انقلاب کـاهش یافته است. و به نظر می‌رسد که علت افول سرمایهٔ اجتماعی در این دورهٔ تاریخی بـیش از آن که به عوامل فرهنگی و یا اقتصادی مربوط شود، ریشه در سازمان درونی ضعیف دولت و رابطهٔ دولت با نیروهای اجتماعی دارد.

در ارتباط با جهت رابطه بین سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اجتمـاعی مـی‌تـوان از تحلیـل تعادلی پاتنام استفاده نمود. او در تحلیل خود بر ارتباط پیچیـدهٔ فرهنـگ و سـاختار تأکیـد می‌کند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی کمک می‌نماینـد و بـه نوبـهٔ خود به وسیله این رفاه تقویت می‌شوند. وی تأکید می‌کند که پرسش‌های علی خطی نبایـد تحلیل تعادل را نادیده بگیرد. در این زمینه مناظره در مورد این که کدام علت اصلی اسـت، فرهنگ یا ساختار در نهایت بی ثمر می‌باشد. بلکه مهم‌تر ایـن اسـت کـه بفهمـیم چگونـه تاریخ بعضی از راه‌ها را همـوار و بعـضی را مـسدود مـی‌نمایـد(پاتنـام، ۱۳۸۰: ۳۰۹). امـا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

یافته‌های این تحقیق صرفنظر از اولویت تأثیر سرمایهٔ اجتماعی و یا توسعهٔ اجتماعی بر یکدیگر، در جهت معکوس قرار گرفت یعنی براساس فرض نظری این مطالعه انتظار می‌رود که با بالاتر رفتن سطح توسعه و تغییرات در دنیای مدرن، اعتماد عمومی و بدون چهره جایگزین اعتمادهای رودرور و متقابل شود، حال آن که، این مطالعه و تحقیقات مشابه نشان می‌دهند که در کشور ما علاوه بر این که توسعه به چنین تغییری منجر نمی‌شود، بلکه برعکس توسعه یافتگی بیش‌تر، به اعتماد فردی و عمومی پایین‌تر و شبکه‌های درون گروهی ضعیف‌تر منجر می‌شود. این موضوع می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد. به زعم لرنر (۱۳۸۳) می‌توان گفت، جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار است و به نوعی، در جامعه نااستواری و در هم ریختگی رواج دارد که اکنون نه آن هنجارها و اعتماد سنتی و گذشته، کارآیی خود را حفظ کرده‌اند و نه هنجارها و شیوه‌های اعتماد مدرن، توانسته‌اند به خوبی جای هنجارها و اعتماد سنتی را پر کنند. این موضوع با شرایط نااستواری تاریخی جامعهٔ ما نیز می‌تواند ارتباط داشته باشد همان طور که کمالی نیز آن را نشان می‌دهد، از جمله: ماهیت شبه مدرنیستی نوسازی در ایران و نسخه برداری صرف از غرب، فقدان ملزومات مورد نیاز توسعه نظیر: طبقات متوسط و نخبهٔ حاکم و تأثیر گذار در جامعه و دستگاههای اجرایی ـ اداری متناسب، فقدان مدیریت واحد سیاسی ـ اجتماعی به منظور پیشبرد اهداف توسعه، عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی ـ اجتماعی موجود و تقویت عناصر حامی توسعه در آن، بی سوادی عمومی و ناآگاهی اجتماعی نسبت به شرایط جدید و الزامات آن، و مهم‌تر از همه جهل به ماهیت واقعی تفکر غربی و الزامات توسعه می‌توان اشاره کرد (کمالی، ۱۳۸۳). توسعه و مدرنیته در ایران، عمدتاً پاسخی به اقتضائات جهانی بوده است تا احساس نیاز جمعی. به گونه‌ای که علی رغم هجوم آن به کشور، مردم به هیچ وجه آن را درونی نکرده، بلکه آن را آسیب و مسئله می‌پندارند. آن چه در توسعه و مدرنیته مهم است روح و اندیشهٔ حاکم برآنست، این روح و اندیشه در ایران همیشه شیطانی تلقی شده است. توسعهٔ بدون روح در ایران همیشه سرگردان، ناباورور و متزلزل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

بوده است. این توسعه آنقدر بدون بنیان است که به راحتی قابل تبدیل و حتی گاهی قابل بازگشت به آغاز خود است. این فرآیند منبع تضادهای زیادی در حوزهٔ هنجارها و ارزش‌ها است. این تضادها، جامعه و مردم را وسوسهٔ اقدامات مختلف می‌کند، اما هیچ گاه حرکتی پایدار به آن‌ها نمی‌بخشد (عنبری، ١٣٨٤).

همان‌طورکه گفته شد این‌ها شرایطی را به وجود می‌آورد که در جامعه دیگر نه آن هنجارها و الزام‌های گذشته وجود دارد و نه هنجارها و الزام‌های مدرن به وجود آمده و جایگزین هنجارها و الزام‌های سنتی شده است. به نوعی در چنین جامعه‌ای فقط به الگوبرداری صرف از صنعت و تکنولوژی از غرب تکیه می‌شود و به ارزش‌ها و تفکرات پشت این صنعت و تکنولوژی توجهی نمی‌شود و این شرایط باعث می‌شود که جامعه با نوعی بی استواری روبه رو باشد. درحالی که بررسی وضعیت رابطهٔ عناصر سرمایهٔ اجتماعی در شهری مانند تهران که در مرور پیشینهٔ تحقیق نیز اشاره گردید، به علت سابقهٔ نسبتاً بیش‌تر توسعه یافتگی در تهران نسبت به کل ایران و همگنی نسبی هنجارهای اجتماعی بیش‌تر آن در مقایسه با کل کشور، عناصری از سرمایهٔ اجتماعی مانند اعتماد عمومی، با میزان توسعه یافتگی رابطهٔ معنادار و مستقیمی داشته است (فیروزآبادی، ١٣٨٨: ١٣٨٤؛ فیروزآبادی و ایمانی، ١٣٨٦). راهکاری پیشنهادی در این خصوص و در جهت برطرف نمودن این وضعیت می‌توان ارائه نمود این است که باید در نظر داشت توسعه، یک فرآیند است به عبارتی یک بسته‌ای است که باید تمام جوانب آن رعایت شود نه به صورت گزینشی بر ابعادی تأکید و از ابعاد دیگری غفلت نمود. توسعه یک پروژه و برنامه نیست که فقط توسط دولت‌ها برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شود. هدف توسعه مردم است، بنابراین باید رفاه و رضایت مردم در توسعه هدف باشد و توسعه توسط مردم و با مردم در تمام طول فرآیند تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، اجرا و ارزیابی انجام شود. آنچه که امروزه در ادبیات توسعه به توسعهٔ مبتنی بر اجتماع محلی[1] از آن یاد می‌شود. در فرآیند توسعه

1. community based development

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

تمام برنامه‌هایی که صرفاً برگرفته از نظریات نوسازی است نیاز به بازنگری دارد و برنامه‌های توسعه باید هر چه بیش‌تر به سمت منطقه‌ای و محلی عمل نمودن و عدالت محوری، پیش رود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

منابع و مآخذ References

ـ آذر، عادل و داود غلامرضایی (۱۳۸۵) رتبه‌بندی استانهای کشور به رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها (با بکارگیری شاخص‌های توسعه انسانی)، ***فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران***، سال هشتم، شماره ۲۷.

ـ ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸٤) ***جامعه‌شناسی توسعه***، چاپ ششم، انتشارات کیهان.

ـ اصغرپور، محمد جواد (۱۳۸۵) ***تصمیم‌گیری چند معیاره***، چاپ چهارم، تهران، انتشارت دانشگاه تهران.

ـ پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) ***دموکراسی و سنت‌های مدنی***، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.

ـ پردازی مقدم، سعیده (۱۳۸٦) ***روشهای تحلیل چندمتغیره و کاربرد آن در سطح‌بندی استانهای کشور***، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.

ـ پیران، پرویز (۱۳۸۳) سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ) ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی شماره ۱۰.

ـ تقوایی، مسعود (۱۳۸٤) تحلیل و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی، ***فصلنامه تحقیقات جغرافیایی***، شماره ۸۲ .

ـ حسینی، سید امیر حسین، زهرا (میلا) علمی و محمود شارع پور (۱۳۸۷) رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال هفتم، شماره ۲٦.

ـ فیروزآبادی، سید احمد و حسین ایمانی (۱۳۸٦) سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی ـ اجتماعی در کلان شهر تهران، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال ششم، شماره ۲۳.

ـ فیروزآبادی، سید احمد، ***بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران***، پایان نامه دوره دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸٤، راهنما: محمد جواد ناطق پور.

ـ فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۸) ***شناسایی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی با تأکید بر شبکه سازی در شهر تهران***، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

منابع و مآخذ References

ـ کلانتری، صمد و محمد گنجی (۱۳۸٤)، شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران، ***مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی***، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲.

ـ کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

ـ کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، ***مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست (با تأکید بر سازمان‌های تخصصی)***، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، راهنما: آزاد ارمکی، تقی.

ـ لرنر، دانیل (۱۳۸۳) ***گذر جامعه سنتی نوسازی خاورمیانه***، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

ـ دیاکیت، سیدیکی (۱۳۷۳) ***توسعه فقط مسئله فن سالاران نیست***، ترجمه، محقق (احمد)، مجموعه کتاب توسعه، شماره ۳.

ـ دیوب (۱۳۷۷) ***نوسازی و توسعه ـ در جستجوی قالب‌های فکری جدید***، ترجمه احمد موثقی، نشر قومس، تهران.

ـ دینی ترکمانی، علی (۱۳۸٦)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال ششم، شماره ۲۳.

ـ ربانی، رسول، صمد کلانتری، وحید قاسمی، فروغ السادات عریضی و رضا اسماعیلی (۱۳۸۷) بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه(مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان)، ***مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان***، جلد ۲۹، شماره ۱.

ـ رحمانی، تیمور و میثم امیری (۱۳۸٦) بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصاد سنجی فضائی، ***مجله تحقیقات اقتصادی***، شماره ۷۸.

ـ سعادت، رحمان (۱۳۸٦) تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان ها، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال ششم، شماره ۲۳.

ـ عباسی نژاد حسین و علینقی رفیعی امام (۱۳۸۵) ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران، ***مجله تحقیقات اقتصادی***، شماره ۷۲.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

منابع و مآخذ References

ـ عبدالهی، محمد و میر طاهر موسوی (۱۳۸٦)، سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال ششم، شماره ۲۵.

ـ عنبری، موسی (۱۳۸٤)، ***بررسی فرایند توسعه اجتماعی در ایران عصر پهلوی (با تأکید بر پهلوی دوم)***، رساله دکترا، دانشکده علوم اجتماعی،دانشگاه تهران.

ـ مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، ***سرشماری نفوس و مسکن***، تهران.

ـ مرنیسی، فاطمه (۱۳۸٤) سرمایه اجتماعی در عمل: مورد انجمن روستایی ایت ایکتل(نقدی بر همبستگی سنتی در کشور مراکش)، چاپ شده در تاجبخش، کیان، ***سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه***، مترجمین: خاکباز، افشین، پویان، حسن، شیرازه، تهران.

ـ معاونت سلامت وزارت بهداشت (۱۳۸۲)، ***پروژه تحلیل وضعیت نظام سلامت، دفتر سلامت خانواده و جمعیت***، تهران.

ـ مهرگان، محمدرضا (۱۳۸۷) ***پژوهش عملیاتی پیشرفته***، تهران، نشر کتب دانشگاهی، چاپ چهارم.

ـ مؤمنی، منصور (۱۳۸۷) ***مباحث نوین تحقیق در عملیات***، تهران، انتشارت دانشگاه تهران، چاپ دوم.

ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، ***رفتارهای فرهنگی ایرانیان***، دفتر طرح‌های ملی، تهران.

ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، ***ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان***، دفتر طرح‌های ملی، تهران.

ـ ناطق‌پور، محمد جواد و سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸٤) سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، ***مجله جامعه‌شناسی***، دوره ششم، شماره٤.

ـ ناطق پور، محمد جواد و سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۵) شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فرا تحلیل عوامل مؤثر بر آن، ***نامه علوم اجتماعی***، شماره ۲۸.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

References

منابع و مآخذ

- Bailey, K. D. (1990) "Why H Does Not Measure Information: The Role of the "Special Case"Legerdemain Solution in the **Maintenance of Anomalies in Normal Science**." Quality and Quantity, 24, 159-7 1.
- Brehm, John & Rahn Wandy (1997) Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences' of Social Capital, **American Journal of Political Science**, volume 41, Issue 3 (Jul.,1997) , 999-1023.
- Bourdiue P. (1985) The Forms of Capital. In **Handbook of theory and Research for the Sociology of Education**, ed. JG Richardson, pp. 241-58. New York: Greenwood
- Estes, Richard I. (2001) **Social welfare and social dev.: Partners or competitors**. University of Pennsylvania.
- Fukuyama, Francis. (1995) Trust: **The Social Virtues and the Creation of Prosperity**. New York: Free Press.
- Georgescu-Roegen, N. (1971) **The Entropy Law and the Economic Process**. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Grewe, Nicole Renay. (2003). **Social capital and local development: An exploration of three forms of community –based social capital (IOWA)**, IOWA STATE UNIVERSITY.
- Knac, S (2002). Social capital. Growth and poverty: a survey of cross country evidence, In Grootaert, C and Bastelaer , T.(2002), **The Role of social capital in development**, Combridge university. Press.
- Krippendorff, K. (1986). **Information theory: Structural moa!els for qualitative data**. Beverly Hills,CA: Sage.
- Lai, Young-Jou; Ting-Yun Liu & Ching-Lai Hwang (August 1994), TOPSIS for MODM , **European Journal of Operational Research**, Volume 76, Issue 3, Pages 486-500.
- Leydesdorff ,Loet .(1995) The production of probabilistic entropy in structure/action contingency relations. **Journal of Social and Evolutionary Systems**, Volume 18.
- Loflin, Katherine Torres.(2003). **Bonding and bridging social capital and their relationship to community and political civic engagement**, THE UNIVERSITY OF NORTH CAROLINA AT CHAPEL HILL.
- Loh, Joopin(2003) **social capital and economic development: A cross national study of social capital**, trust, civic engagement, and economics of 38 countries, 1990-1998, The university of Alabama.
- Mazumdar, Krishna (1996) An Analysis of Causal Flow Between social Dev. and economic Growth: the social dev. Index. **American Journal of Ecomomics and Sociology**, 53/3.
- Nancy, Riche (2000). Economic and social Dev.: Tow sides of some coin world summation social Dev. **Economic Dev. and social Responsibility**, June 30, Geneva, Switzerland.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

References

منابع و مآخذ

- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002). A decline of social capital? The German Case, Published in Putnam, Robert D (2002). **Democracy in Flux: the Evolution of social capital in contemporary society**, NEW YORK: Oxford University press.
- Pargal. S, Gilligan.D.O, and Huq.M. Doeas social capital increase participation in voulantary solid waste management? Evidence from Dhaka, Bangladesh published in Grootaert, C and Bastelear, T (2002). **The role of social capital in development**, Cambridge univ. press.
- Paxton, P. (1999), Is Social Capital Declining in the United States? A multiple Indicator Assessment, **American Journal of Sociology**, Vol. 105, No. 1.
- Putnam, Robert P. (1995b). "Tuning In, Tuning Out: The Strange Disappearance of Social Capital in America", PS: **Political Science and Polities**, 28: 664-83.
- Putnam, R. (2000). **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, Simon and Schuster, New York
- Stiglitz, Joseph (2002) **Participation and Dev.: Perspectives from the comprehensive Dev. Paradigm, Int. conference on Democracy: market Economy and Dev**. Seoul, Korea, Feb 27.
- Theil, H. (1972) **Statistical Decomposition Analysis**. Amsterdam: North Holland.
- United Nations, **world summit for social development**, copenhagen, Danmark, 6-12 March 1995.
- Well Ellen, Ferrazi Gabriele and schryer Frans.(1998) Getting the Goods on Social Capital, **Rural Sociology**, 63(2).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]